



پیام به مناسبت 13 آبان روز مبارزه با استکبار جهانی - 13 / آبان / 1369

در آستانه 13 آبان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین پیام مهمی صادر فرمودند.
این پیام امروز بعد از ظهر در مراسمی که بهمین مناسبت در مقابل لانه جاسوسی آمریکا برگزار شده بود توسط حجت الاسلام والمسلمین موسوی خوئینی ها قرائت شد.
متن این پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

واذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك ويمكرون ويمكر الله والله خير الماكرين
در میان ایام الله انقلاب که یادگارهای دوران مبارزه‌ی بیست و چندساله‌ی ملت شجاع و پیروز ما و هرکدام حامل خاطره‌ی و پرتوی از امام راحل عظیم ماست، سیزدهم آبان‌دارای ابعادی متنوعتر و پیامهایی عمیقتر و بنیانیتر است. صف‌آرایی دوجبهه‌ی مبارزه‌ی خونین، جبهه‌ی ظالم و جبهه‌ی مظلوم: جبهه‌ی استکبار وسلطه و پیشاپیش آن امریکا و جبهه‌ی حق و عدل و مشعل دار و امام آن خمینی کبیر، در این یوم‌الله به وضوح دیده می‌شود و در هر سه مناسبت این روز آشکار و روشن خودنمایی می‌کند و نسلهای امروز و فردا را به تأمل و تدبیر وا می‌دارد.
در شب چنین روزی، دستهای آلوده و خشن جبهه‌ی استکبار، امام جبهه‌ی حق و عدل را دزدانه از خانه‌ی محقرش که در آن، همه‌ی کاخ‌نشینان مغرور را به مبارزه دعوت می‌کرد و سپیده‌ی طلعت حق را به چشم مستضعفان شب‌نشین می‌کشید، ربودند و خشم بی‌ثمر خود را از باطل شدن ترفند کاپیتولاسیون، نابخردانه فرو نشانند...
آن روز همه‌ی توان استکبار همین بود و کرد مگر یوسف عزیز، در قعر چاه دگر یوسف نباشد زهی خیال باطل.
پس از سالها باز در چنین روزی در بحبوحه‌ی طلوع خورشید حق و عدل، که با مشعل‌گردانی و تدبیر الهی آن رهبر نستوه، از روزن دل‌های یکایک مردم این مرز و بوم سرکشیده بود دست شوم استکبار، خشمگین و سرگردان، بی‌تدبیر و هدف، جمعی از نونهالان دانش‌آموز را هدف گرفت و مشت‌های نارس بهاری را بر زمین ریخت، تا خون آن جگرگوشه گان معصوم، باز هم زودتر دامن دیوان آدمی‌خوار را بگیرد و موج خشم آگاهانه‌ی مردم، خس و خاشاک راه پیروزی را برود.

و باز در چنین روزی در هنگامه‌ی پرشور پیروزی، آن‌گاه که کشتی انقلاب، با حکمت و توکل نوح کشتیبان، بر روی امواج متلاطم حوادث باصلابت و قدرت پیش رفته و به ساحل نجات رسیده بود دست نیرومند انقلاب گریبان استکبار را گرفت و آن را از مسند موهوم شکست‌ناپذیری که از تبلیغات دروغین خود و اوهام توده‌های غافل جهان ساخته بود به زیر کشید و با تحقیر دولت مستکبر امریکا دل ملت‌های تحقیر شده‌ی جهان را شاد کرد. زمره‌ی دلباخته و پرشور دانشجویان، لانه‌ی توطئه‌گران و جاسوسان را زندان آنان کردند و آشتی‌ناپذیری اسلام نجات بخش را با کفر ستم‌پیشه، به دنیا نشان دادند. از آن روز انقلاب اسلامی ما که ضدیت با ظلم و استبداد رژیم‌دست‌نشانده را به پیروزی رسانده بود آخرین امید طمعکاران فرصت‌جوی جهانی را هم زایل کرد و ابعاد گسترده‌ی مبارزه‌ی جهانی خود را که در آن، نه فق طرژیم وابسته‌ی حاکم بر ایران بلکه ریشه و ام‌الفساد همه‌ی گرفتاری‌ها یعنی نظام سلطه‌ی جهانی و در رأس آن امریکا، آماج این مبارزه است، آشکار ساخت.

در این حوادث سه‌گانه از تبعید حضرت امام در سال 1343 که به دنبال اعتراض ایشان به مصونیت مستشاران امریکایی انجام شد تا کشتار دانش‌آموزان در سال 1357 و تا تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال 1358 صف‌آرایی میان انقلاب اسلامی از یک‌سو و امریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش در ایران از سوی دیگر بود و این مبارزه که در میانه‌ی این



سه حادثه و پیش از آن و پس از آن ادامه داشته، ترسیم‌کننده‌ی طبیعت اسلام و انقلاب اسلامی و هدفها و مسیر آن و نیز نمایشگر چهره و هویت استکبار جهانی و مظهر آن امریکا و روشها و نیز میزان اقتدار و آسیب‌پذیری آن است و مهمتر از همه، خط روشنی از روند مبارزه‌ی حق و باطل را ترسیم می‌کند و چگونگی رشد و سمت حرکت آن را معلوم می‌دارد. مطالعه در این روند امیدبخش نشان می‌دهد که هرگاه جبهه‌ی حق استقامت و فداکاری کند، جبهه‌ی باطل هرکه و هرچه و با هر حجم، در برابر آن تاب نخواهد آورد و مجبور به عقب‌نشینی خواهد شد. نه سردمداران رژیم آمریکا و نه دست‌نشانده‌های حقیرشان در ایران در سال 43 که امام ما را تنها و غریبانه از قم به تهران و از آنجا به تبعیدگاه بردند گمان‌ناداشتند که بزودی خود گروگان عملکرد جبارانه‌ی خویش خواهند شد و نمی‌فهمیدند که این توطئه‌ی شیطانی و این یورش کینه‌توزانه به قلب جبهه‌ی حق، یکسره ابزار مکر الهی علیه خود آنان خواهد شد و زمینه‌ی سقوط قدرت جبارشاهی و زوال امپراتوری استکبار را فراهم خواهد ساخت. تسخیر لانه‌ی توطئه و جاسوسی که با الهام از فرمان حضرت امام خطاب به دانشجویان و دانش‌آموزان درباره‌ی گسترش اعتراضات انجام گرفت اگرچه عکس‌العملی درقبال تهاجم جبهه‌ی استکبار علیه انقلاب بشمار می‌رفت لیکن درعین حال جهادی ابتدایی بود علیه استکبار و علامتی از فرا رسیدن نوبت سربرکشیدن جبهه‌ی حق و به هم خوردن موازنه‌های استعماری و در هم شکستن صولت آمریکا و بطلان تلقینات دهها ساله آنان برای مرعوب کردن ملت‌ها.

همان امپراتوری قهاری که یک روز داعیه‌ی سروری و مصونیت قضایی مستشاران و اتباعش در ایران را داشت و نزدیک به سی سال بود که در صحنه‌ی تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی و اقتصادی ایران قدرت بی‌رقیب و مسلط به حساب می‌آمد و همواره منافع نامشروع خود را بر مصالح ملت ایران طلبکارانه ترجیح داده بود، اکنون با بیداری و عزم راسخ ملت ایران که از ایمان‌پرشور آنان ناشی می‌شد، در برابر حرکت گروهی از جوانان مؤمن این ملت انقلابی، احساس ضعف و شکست کرد و دچار انفعال شد. نه فقط ملت ایران بلکه همه‌ی ملت‌های مسلمان که بر اثر تلقین مستمر قدرتهای ضد اسلامی در نیم‌قرن اخیر به کلی امید به خود و نیروهای خود و حتی نیروی اسلام را از دست داده بودند، در هریک از حوادث انقلاب و در هر سخن و اشاره‌ی از سوی امام انقلاب و در هر حرکتی از سوی مردم، پیامی متضمن امید و نشاط و اعتماد می‌گرفتند و به نیروی خود معتقد و از ضعف ذاتی استکبار آگاه می‌شدند اگر دنیا شاهد آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تا امروز، ملت‌های مسلمان در همه جای جهان، حرکاتی از سر اعتماد به خود، در جهت بازگشت به هویت و فرهنگ اسلامی خود انجام می‌دهند، درست به این دلیل است که مبارزه‌ی فداکارانه‌ی ملت ایران این ترفند استعماری و استکباری را که ملل شرق و ملل مسلمان قادر به عقب‌نشاندن قدرتهای اروپا و آمریکا نیستند، ابطال کرده و جایگاه قدرت واقعی را نشان داده است قدرت واقعی، مردم‌باایمانند و در برابر چنین مردمی، هیچ قدرت مادی هرچند بزرگ و مجهز قادر به اعمال اراده‌ی خود نخواهد بود. این بزرگترین درس روز سیزدهم آبان ماه است. روزی که هم شاهد غربت و مظلومیت امام جبهه‌ی حق بود، هم شاهد مقاومت خونین و فداکارانه‌ی امت آن امام و تا حد قربانی دادن نوجوانان دانش‌آموز و هم شاهد ذلت دشمنان آن امام به دست مریدان و شاگردان پرشور و انقلابی‌ش... لذا درس این روز، درسی بس عبرت‌آموز و استثنایی است.

افسوس که غالب سیاستمداران کشورهای اسلامی، قدرناشناسی نسبت به نیروهای عظیم ملت‌های خود را با خودباختگی در برابر قدرتهای بیگانه توأم ساخته و به جای بهره‌گیری از فرصت بزرگی که پیروزی انقلاب اسلامی برای آنان فراهم ساخته بود و تجدید نظر در روابط ناسالم و حقارت‌آمیز با امریکا و اروپا، ناشیانه در برابر این انقلاب نجات بخش و پربرکت که ملت‌هایشان شیفته‌ی آن بودند موضع خصمانه گرفتند و در نتیجه بیش از پیش در منجلاب ضدیت با ملت‌های خود و اسارت در دام تحمیل و زورگویی قدرتهای شیطانی گرفتار شدند. آنان برخلاف



گفته‌ی قرآن که می‌فرماید: «ان العزه الله جميعا»، عزت را نزد امریکا طلب کردند. سزای این کج‌فهمی و بدکرداری جز این نیست که ذلیلانه نگران سرنوشت خود و حکومت هایشان که به هیچ‌نقطه‌ی اطمینان بخشی متکی نیست، بمانند و به تجربه و عیان حس کنند که در هنگام خطر، امریکا و دیگر سردمداران قدرت استکباری قادر به نجات آنان نیستند و دروغ بودن این پندار را که امریکا بر هرچه اراده کند قادر است باهمه‌ی وجود دریا بند. حوادث دیروز و امروز خلیج فارس صفحه‌ی عبرت دیگری است که هم بطلان افسانه‌ی شکست‌ناپذیری امریکا را و هم ضعف و زبونی دولتهایی را که به نیرویی جز ملت خویش تکیه می‌کنند، و هم بی‌وفایی و ناتوانی قدرتهای بزرگ در دفاع از دولتهای وابسته و دست‌نشانده‌شان را بوضوح نشان داده و در آینده بیشتر نشان خواهد داد.

خدا را شکر می‌گوییم که ملت ایران با گوش حق‌نیوش و چشم حق‌بین، درسهایی بزرگ زندگی را از انقلاب بزرگ و رهبر حکیم خود آموخت و روز به روز با تحقق وعده‌های الهی‌ایمانش به حقانیت این راه عمیقتر شد. ملت ما پیروزی بر رژیم وابسته‌ی شاهی را، پیروزی بر ترندها و توطئه‌های امریکایی را، پیروزی بر جبهه‌ی نظامی پیش کرده‌ی شرق و غرب را، پیروزی بر محاصره‌ی اقتصادی را، پیروزی بر جبهه‌ی سیاسی و تبلیغاتی جهانی را و پیروزی بر بسیاری از مشکلاتی را که به دست همان دشمنان برایش فراهم شده بود، یکی پس از دیگری باهمه‌ی وجود حس کرد و طعم شیرین آن را چشید. همه‌ی این پیروزیها به برکت تمسک به اسلام و حفظ استقلال و استغنا از بیگانگان و توکل به خدا و تلاش یکپارچه‌ی ملت پشت سر رهبر یگانه و بی‌بدیش به دست آمد. ملت ما، متلاشی شدن بلوک شرق و پوچ در آمدن داعیه‌ی ابرقدرتی شوروی را و مضمحل شدن تفکری و دستگاہی را که آشکارا به ارزشهای الهی پشت کرده بود و در طول جنگ تحمیلی دست در دست امریکا با ملت ما که برای خدا و ارزشهای معنوی قیام کرده است کینه‌توزی و دشمنی می‌کرد، به چشم خود دید. اکنون همه‌ی آن سیاستمدارانی که در صدر آن امپراتوری قدرت تکیه زده بودند، از صفحه‌ی روزگار با بدنامی محو شده‌اند.

ملت ما درماندگی و ناتوانی بلوک غرب را از نگهبانی و حراست دولتهای وابسته که به امید آنان نفس می‌کشیدند و به امید آنان در برابر جمهوری اسلامی صف‌آرایی نظامی و سیاسی کردند و حتی درماندگی آن بلوک را از حل مسایل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و گره‌های داخلی و خارجیش مشاهده کرده و می‌کند و طعم شیرین استقلال و استغنا از این قدرتهای ظاهری و میان‌تهی را در حوادث پیاپی زندگی خود می‌چشد.

این آن نعمت بزرگی است که ملت هوشمند و مجرب ما باید قدر بدانند و شکرگزارد و برای خود حفظ کند. ملت ایران باید بداند - و می‌داند - که حل همه‌ی مشکلات بزرگ و کوچکش که غالباً معلول دوران طاغوتی سلطه‌ی بیگانگان بر کشور یا محصول جنگی است که همان بیگانگان کینه‌ورز و استیلا طلب بر ماتحمیل کردند، تنها و تنها از همین راه میسر خواهد بود. یعنی از راه تمسک به اسلام، تلاش و مجاهدت یکپارچه و متحد، استغنا از بیگانگان و دشمنان، دفاع از مظلومین و مبارزه با سلطه‌جویی و سلطه‌جویان و تسلیم نشدن در برابر ترندها و توقعات و تحمیل‌های استکبار و در رأس آن امریکا.

در جمهوری اسلامی اگر کسانی تصور کنند که با امتیاز دادن به امریکا و دیگران خواهند توانست به مقاصد و اهداف نظام اسلامی برسند، سخت در اشتباهند. این تصور باطل، ناسپاسی نسبت به پیروزیهای بزرگی است که ملت مسلمان ما در سایه‌ی توکل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است، و ناسپاسی و کفران نعمت، بلیه‌ی است که از آن باید ترسید و به خدا پناه برد.

اردوگاه استکبار سرمایه‌داری، از سر برآوردن نیروی اسلامی متوحش و بشدت نگران است و آن را زنگ خطری برای بهره‌برداری نامشروع خود از مظاهر حیاتی همه‌ی عالم بلکه برای ادامه‌ی حیات خود می‌داند اگر کسانی تصور کنند که امریکا که خود مرکز اصلی این اردوگاه پرفتنه و فساد است ممکن است بانظام اسلامی که مظهر حیات مقتدرانه‌ی اسلام است، سر‌آشتی و مساعدت داشته باشد، بسی ساده‌لوحانه اندیشیده‌اند.



امروز قدرت و عظمت جمهوری اسلامی که محصول خون شهیدان و فداکاری ملت و زحمات توصیف‌ناپذیر مسؤولان صالح و دلسوز و کارآمد است، حتی سردمداران استکبار را نیز وادار می‌کند که نقاب دوستی به چهره بزنند و منافقانه ادعای دوستی کنند؛ بدون این که حتی قدمی در راه دوستی‌پی که ادعا می‌کنند بردارند. کیست که امروز در پشت پرده‌ی جنایات شرم‌آور صهیونیستها در فلسطین که خونخواری توأم با وقاحت رابه حد اعلی رسانده‌اند، دست آمریکا را نبیند و سردمداران آمریکا را در کشتار بی‌رحمانه‌ی فلسطینیها مقصر نشناسد؟ و کیست که مقاصد استیلا طلبانه‌ی رژیم آمریکا را در خلیج فارس از لابلای گفتار و کردار آنان درک نکند؟ البته هر حرکت سلطه‌گرانه‌ی بی‌سوی بیگانگان در خلیج فارس با عکس‌العمل شدیدملتهای مسلمان غیور این منطقه مواجه خواهد گردید و دست هر متجاوزی قطع خواهد شد.

ملت ما باید قدرت و عظمتی را که در سایه‌ی اسلام و وحدت و مجاهدت به دست آورده، حفظ کند و بر آن بیفزاید. کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن غدار، این سرمایه را که با بیشترین فداکاریها به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را جری تر از پیش خواهد کرد.

اینک از باب تذکراتی چند را به ملت و مسؤولان عزیز عرض می‌کنم:

1) به فرزندان و برادران عزیز و انقلابییم، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان که این روزبزرگ به نام آنان است عرض می‌کنم که شأن و وضع شما چه در حال و چه بیشتر در آینده، به گونه‌ی است که بار اصلی انقلاب بر دوش شماست و اسلام عزیز و اولیای شهیدان و امام بزرگوار و صالحان ملت به شما نظر و امید و از شما انتظار دارند بکشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصتها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسؤولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصاً آنچه به پاسداری از ارزشها و فرهنگ و روحیه‌ی انقلابی است پر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و بخصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حیل‌های شیطانی و دسایس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتی در لحن و قالب دلسوزی است برحذر باشید. در مسیر مبارزه‌ی افتخارآمیز ملت ایران، جوانان همیشه باید، پیشاهنگ و پیشرو باشند، خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کج راه‌های انحرافی باز شناسید و صبغه‌ی الهی را ترویج و شعایر اسلامی رانعظیم کنید.

2) به کلیه‌ی قشرهای مردم عزیز مخصوصاً کسانی که از آگاهی‌بیشتری نسبت به حقایق موجود جهان و ایران برخوردارند توصیه می‌کنم که بیش از همه چیز یک عنصر اساسی را همیشه در مد نظر داشته باشند و آن وحدت کلمه و حفظ یکپارچگی عموم ملت است. این را اصلی بدانید که باید بر همه‌ی گفتارها و کردارها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی ملت ما حاکم و ناظر باشد. کشوربزرگ و پراستعداد و پرنشاط ما هنوز راه‌های زیادی هست که باید بییماید؛ راه‌هایی که به سعادت کامل ملتمان منتهی می‌شود و در زندگی مردم جهان نیز تأثیراتی عمیق می‌گذارد. راه‌هایی که به امنیت و رفاه و معنویت نه فقط در سطح کشور خودمان بلکه در سطح منطقه‌ی اسلامی و حتی در سطح جهان نایل می‌گردد، راه‌هایی که از آغاز دوران استعمار یعنی از بیش از دو بیست سال پیش تا کنون، قدرتهای سلطه‌گر عالم هرگز اجازه‌ی پیمودن آن را به هیچیک از کشورهای زیرسلطه نداده‌اند و کشور عزیز ما هم مانند دیگر کشورهای اسلامی همواره از آن محروم بوده است، امروز آن کشوری که حق دارد به جرأت داوطلب پیمودن این راهها شود و مطمئن باشد که دخالت و تحمیل قدرتهای شیطانی، قادر نیست او را از اقدام به حرکت و استمرار آن باز دارد کشور ما و ملت ماست. پایبندی و ایمان عمیق به اسلام و رهایی از نفوذ و سلطه‌ی قدرتهای استکباری این امکان را که برای کمتر ملتی و کشوری پیش آمده، در اختیار کشور ما و ملت ما قرار داده است؛ لیکن شرط اساسی، وحدت و یکپارچگی ملی است و اگر نباشد، همه‌ی آنچه هست بیهوده خواهد بود پس مرز میان پیروزی همه‌جانبه‌ی ملت ما یا خدای نکرده ناکامی و هدر رفتن همه‌ی زحمات گذشته، یک چیز



بیش نیست و آن وحدت کلمه‌ی میان مردم است. دشمن به‌همین دلیل است که برای شکستن وحدت ملت، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی هنگفتی کرده و می‌کند. گروهها و جناحها و اشخاص و دستگاهها در هر نقطه که تلاش خود را مضر به وحدت ملت دیدند باید آن را متوقف سازند. در تمام حوادث بزرگ تاریخ بیداری و مبارزات ملت، هر جا شکست و نامرادی پیش آمده بر اثر شکسته شدن صف واحد ملت بوده است. ما امروز حق نداریم تجربه‌های گذشته را تکرار کنیم و هیچ عذر و بهانه‌ی برای صدور گفتار و عملی که ناقص وحدت است پذیرفته نیست.

ملت ما بحمدالله در تمام دوران پس از انقلاب و در تمام حوادث مهم وحدت کلمه‌ی خود را پشت سر امام عظیم الشان راحل با استحکام حفظ کرد و تعارضهای گروهی و جناحی را به چیزی نگرفت و امروز هم بحمدالله به همین گونه است لیکن صاحبان بیان و قلم و تریبون باید توجه کنند که تعارضها و مناقشات گروهی، نخستین ضررش آن است که آنان را از توجه به مسایل مهم جهان و منطقه غافل ساخته و قهرآ و وظایف آنان در قبال ملت را از یادشان خواهد برد. و ضرر بزرگتر آن که راه این‌گونه افراد را از ملت جدا خواهد ساخت.

3) صمیمیت متقابل میان ملت با دولت و دستگاههای خدمتگزار همواره یکی از عمده‌ترین اسرار پیروزیها و کامیابی‌های جمهوری اسلامی بوده است و باید همچنان باشد ملت عزیز باید قدر دولت خدمتگزار و رئیس‌جمهور عالی‌قدر و رؤسا و اعضای قوه‌ی قضاییه و مقننه را بداند و تلاش ارزشمند آنان را با تبعیت و محبت و نصیحت خود پاسخ گوید. مسؤولان خدوم کشور در مقایسه با آنان که به همین مسؤولیتها در دیگر کشورها اشتغال دارند، انسانهایی استثنایی و برجسته‌اند. آنان از مردم و برای مردم و دردشناس مردمند و این برای متصدیان چنین مسؤولیتهایی بزرگترین ارزشهاست. کسی که با زندگی و رفتارها و روابط شخصیت‌های سیاسی و حکومتی جهان آشنا باشد به داشتن چنین دولتمردانی که از سرچشمه‌ی اسلام نوشیده و در مکتب امام بزرگوار پرورش یافته‌اند خدا را سپاس می‌گوید.

به دولت خدمتگزار و لایق نیز یادآور می‌شوم که این ملت بزرگ و فداکار بخصوص طبقات محروم و پابرهنگان که بار اصلی انقلاب و کشور را همیشه بر دوش داشته‌اند، حقا شایسته‌ی خدمت و سزاوار صمیمیتند. در تمام برنامه‌ها و تصمیمها، پیش از هر چیز لازم است استیفای حقوق و تأمین رفاه و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و شرف آنان مورد توجه باشد. اگر در دورانهای گذشته همه‌ی سرمایه‌ها و پول و شغل و تحصیل و عمران و خلاصه همه‌ی خیرات در جهت منافع مرفهین به کار می‌رفت و قشرهای ضعیف یعنی اکثریت همواره به فراموشی سپرده می‌شدند، نظام اسلامی به عکس باید تمام همت خود را به پرکردن شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی میان فقیر و غنی مصروف کند و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را در راه خدمت به پابرهنگان که حق حیات به گردن کشور دارند به کار اندازد. هر لحظه‌ی از عمر مسؤولان که در خدمت مردم صرف کار و اندیشه شود به عبادت صرف شده است و کارگزاران کشور که خدمتگزاران مردم بزرگترین افتخارانان است باید لحظه‌ی را از این عبادت خالی نگذارند. در پایان یادشهادی عزیز دانش‌آموز و دانشجو را گرامی داشته برای آنان رحمت و فضل الهی را مسألت می‌کنم و توفیقات همه‌ی اقشار ملت عزیز را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله
علی‌الحسینی‌الخامنه‌ئی